



مهندسی فرهنگ مقصد را تعیین می‌کند

مشاوره

اسلامی است که زمینه بروز استعدادها به معنی تجلی ابعاد خداگونگی انسان مهیا شود. این هدف، طولانی و دراز مدت است. هدفهای میان مدت را هم باید در نظر بگیریم که می‌توانیم آن را سند چشم‌انداز قرار دهیم. اگر بخواهیم در جامعه ایرانی مهندسی فرهنگ انجام دهیم باید ویژگیها و خصایص انسانی و ایمانی را مد نظر قرار دهیم. ویژگیهای فرهنگی در بعضی تحقیقات عبارت است از: گرایش کم به عقلانیت، بی‌اعتمادی، تجدد و نوگرایی، بی‌توجهی به زمان، تقدیرگرایی، دینداری و موفقیت خواهی.

وی در حوزه عمل به ضرورت شناسایی اجزای نظام فرهنگی اشاره کرد و گفت: نظام فرهنگی متشکل از دو جزء است: کارکردهای نظام فرهنگی و ارزیابی و بازخورد. کارکردها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. به روزرسانی محتوای فرهنگی (یعنی محتواها و مواد اولیه‌ای تولید شود که توسط سازمانها و گروههای فرهنگی و اهالی فرهنگ دولتی و غیردولتی تبدیل به محصولات عینی فرهنگی شوند. تبدیل به سریال، فیلم و... شوند). نوآوری محصولات فرهنگی و اینکه چه کسانی می‌توانند اینها را استخراج کنند که ناخالصی راه پیدا نکنند. این افراد باید دو ویژگی داشته باشند: آشنا به مبانی دینی و متخصص در علوم دینی، مسائل اجتماعی و هنر، رسانه و مسائل تربیتی تا بتوانند با توجه به شرایط عینی جامعه از انبار خارج کنند و به عنوان مواد اولیه تحویل اهالی صنعت بدهند.

رییس کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی در پایان گفت: شورا باید با تربیت افراد مناسب این کارها را طراحی کند و به مؤسسات مجوز دهد که این افراد تربیت شوند. الان در دانشگاهها پایان نامه‌های فراوانی به صورت تکراری گذرانده می‌شود که شورا باید این را هدایت کند و افرادی که این کارها را انجام می‌دهند مورد حمایت قرار دهد. باید تمام توان پژوهشی و علمی جامعه بسیج شود تا بهترین راهکار برای تحقق این اهداف ارائه شود.

به صورت کند انجام می‌شود اما امکان انجام وجود دارد. البته دشواری مهندسی فرهنگ چیزی است که همه به آن اذعان می‌کنند. به این خاطر که فرهنگ برخلاف مهندسی جمادات روی عناصر ایستا و نامتحرک صورت نمی‌گیرد. فرهنگ در حال تحول است و لذا رصد آینده یکی از دشواریهای مهندسی فرهنگ است به علاوه تأثیرگذاری عواملی که خارج از کنترل و اداره برنامه‌ریزان فرهنگ تأثیرگذاری می‌کنند که ما به عنوان تهاجم فرهنگی به آن اشاره می‌کنیم را نباید از یاد ببریم. این عاملی است که می‌آید و محاسبات را بهم می‌زند. البته معنای مهندسی فرهنگ باید مشخص شود که به معنای کنترل مطلق نیست. ملاحظه سوم، اینکه فرهنگ یک نظام و سیستم است. مشخصات یک نظام و سیستم عبارت است از اینکه اجزاء و رخدادهای درونی با هم پیوستگی دارند. لذا باید اجزای متشکله که از تعریف فرهنگ بدست آورده‌ایم اینجا شناسایی و تبیین شوند. عناصر و رخدادهای فرهنگی به عنوان کل باید به سوی هدف واحدی روان باشند. در هر سیستم یک ورودی‌هایی وجود دارد و یک فرآیند و خروجی‌هایی هم به چشم می‌خورد. لذا در فرهنگ باید بخش ورودی‌ها فرآیند و خروجیها مد نظر قرار بگیرد. در کنار آن هدف نهایی که در مهندسی فرهنگ تبیین می‌شود و به سمت آن قرار است حرکت صورت بگیرد، باید اهداف نزدیکتری ترسیم شود تا جهت‌گیریها با توجه به اهداف میان مدت، کوتاه مدت قابل ارزیابی و نظارت شود. حالا در جمهوری اسلامی هدف چه است؟ ما در اسنادی که داریم معتبرترین سند، قانون اساسی است. در مقدمه قانون اساسی اشاره شده که هدف از تشکیل جمهوری اسلامی حرکت جامع به سوی ارزشهای الهی و پرورش انسانهایی با ارزش بالا و جهان شمول

دکتر جمشید جعفرپور رییس کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی در نشست تخصصی روز دوم همایش که در سالن خواجه نصیر مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد ملاحظاتی در خصوص نقشه مهندسی فرهنگ ارائه کرد و گفت: منظور از ملاحظات، مواقف و گذرگاههایی است که تا از آنها نگذریم نمی‌توانیم به نقشه مهندسی فرهنگ دست پیدا کنیم. اولین ملاحظه مربوط به مباحث نظری است. کسانی که می‌خواهند این کار را انجام دهند به درستی تفاوت بین مهندسی فرهنگ با مهندسی فرهنگی و تفاوت مهندسی فرهنگ با مدیریت فرهنگ را تعریف و تبیین کنند. در مهندسی فرهنگ، فرهنگ به مثابه موضوع مهندسی یعنی مضاف‌الیه مهندسی قرار گرفته است. ولی وقتی می‌گوییم مهندسی فرهنگی، «فرهنگی» صفت مهندسی است. یعنی هدف و سازوکاری می‌خواهد که مهندسی روی موضوعات انجام شود.

جعفرپور افزود: مهندسی فرهنگ در قبال مدیریت فرهنگ به این معنا است که مهندسی فرهنگ طراحی و باز طراحی سیستم را انجام می‌دهد یعنی تعیین مقصد می‌کند. ولی در مدیریت فرهنگ یک سیستم طراحی شده است یعنی تعیین مرکب. در مهندسی فرهنگ ما ترسیم بازده می‌کنیم و در مدیریت فرهنگ ترسیم فرآیند، ملاحظه دوم در حوزه نظر، بحث امکان‌پذیری مهندسی فرهنگ است. بعضی امکان عقلی و بعضی امکان عملی آن را نفی می‌کنند. در رویکردهایی که فرهنگ را حاصل سازوکارهای درونی تاریخ می‌دانند فرهنگ چیزی نیست که بشود مدیریت و تغییرات در آن ایجاد کرد. براساس دیدگاهی که فرهنگ را همانند سایر پدیده‌های اجتماعی می‌بیند این تغییرات